

فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی

دکتر مجتبی رفیعیان* - مهسا سیفایی**

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۳/۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۴/۶/۵

۸۴/۶/۵

چکیده:

امروزه نگاه به فضاهای عمومی شهری، بعنوان یک ضرورت اساسی در برنامه های توسعه شهری حکایت از بازتولید این فضاها در تقویت وجهه فرهنگی/ اجتماعی شهر دارد. این در حالی است که بدلائیل مختلف از جمله گرایش به زندگی خصوصی، توسعه زندگی اطلاعاتی، توسعه حومه نشینی و مشکلات ناشی از فرسودگی و ازدحام فضاهای درونی شهرها و ... در دهه های قبل، این فضاها اهمیت کمتری در الگوهای شهرسازی معاصر داشته اند. در این مقاله با استفاده از منابع معتبر و جدید سعی گردیده است ضمن بیان مفهوم فضای عمومی شهری و ضرورت بازنگری در آن بویژه در گرایشات نوین شهرسازی مورد توجه قرار گیرد. نتایج حاصله نشان می دهد که ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری جهت ایجاد سرمایه اجتماعی و تقویت یکپارچگی جامعه، امری ضروری تلقی می گردد.

واژه های کلیدی:

فضاهای شهری، فضاهای عمومی شهری، کنش اجتماعی، تعلق مکانی.

E-Mail: rafiej_m@modares.ac.ir

* عضو هیات علمی گروه شهرسازی - دانشکده هنر - دانشگاه تربیت مدرس.

E-Mail: seifaii@modares.ac.ir

** کارشناس ارشد شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس.

۱- مقدمه

نمایند (Walters, 1986:p.470). ضمن اینکه، زمانی می توان از هویت جمعی اجتماعی، در این مکان ها یاد کرد که فضاهای عمومی توسط افراد زیادی در جهت فعالیت های متنوع و گسترده مورد استفاده قرار گیرند. از منظر سیاسی، هر تعریف بایستی شامل دیدگاه نظری از فضاهای عمومی در قالب مکان هایی باشد، که افراد می توانند در زندگی اجتماعی مشارکت کنند و مطالبات خود را بیان کنند. دیدگاه معماری، فضاهای عمومی را به عنوان مکان هایی باز و قابل دسترس، تعریف می کند و در حقیقت در تقابل با فضاهای خصوصی- جایی که دسترسی به آن محدود و کنترل شده است- قرار می گیرد (Garcia-Ramon et.al, 2004). فضاهای عمومی این قابلیت را نیز دارند که به عنوان "چشم اندازهای مشارکتی (Participatory Landscapes)، عناصر اصلی در زندگی شهری که منعکس کننده فرهنگ، عقاید و ارزش ها می باشد، مطرح شوند. (Francis, 1989) هر چند که نقش فضاهای عمومی در یکپارچگی و یکدستی شهر کاملاً مشهود و مشخص است، امروزه عقیده بر آن است که کیفیت بالا و مثبت زندگی شهری در خیابان ها و فضاهای باز، شرطی لازم برای جامعه است؛ بطوری که مردم را قادر می سازد که از تعاملات اجتماعی لذت ببرند (Garcia-Ramon et.al, 2004).

استفاده و تخصیص فضاهای عمومی، مسئله ای اساسی است که باید در مطالعات زندگی روزانه کسانی که در شهرها زندگی می کنند، مورد بررسی قرار گیرد. استفاده و تخصیص از فضاهای عمومی تجربه ای است که برای تمامی افراد یکسان نیست؛ زیرا متغیرهایی نظیر سن، جنس، گروه های اجتماعی و اقلیت های قومی و نژادی بر چگونگی درک زندگی شهری اثر گذارند. در سال های اخیر شیوه های مختلف استفاده از فضای شهری موضوع بسیاری از مطالعات در رشته های مختلف نظیر علم انسان شناسی، جامعه شناسی، جغرافیا و معماری بوده است؛ بنابراین فضاهای عمومی شهری از منظرهای گوناگونی تعریف می شود که تمامی آنها به نوعی مکمل همدند. از دیدگاه اجتماعی فرهنگی، فضا های عمومی به عنوان مکان هایی جهت ایجاد و تقویت مناسبات و روابط بیرونی، تعاملات، تغییرات و رویارویی های اجتماعی و مکان هایی که گروه های مختلف با خواست ها و علایق متفاوت گرد هم جمع می شوند، تعریف می شود. فضاهای عمومی همچنین به عنوان، "فضاهای باز فکری"، هم تعریف می شوند؛ چرا که این فضاها "برای استفاده های مختلف غیر قابل پیش بینی و انجام فعالیت های متنوع، طراحی و برنامه ریزی شده اند تا تمایلات شهروندان را برای برآورده کردن خواسته هایشان هموار کرده و آنها را از این امر منتفع

۲- "فضای عمومی چیست؟"

ویژگی اصلی فضای عمومی این است که، "زندگی جمعی، فرهنگ شهری و مباحث روزمره ما را بیان کرده و در ضمن بر آنها نیز تأثیر می گذارد". فرانسیس تیبالدز (۱۹۹۲: ۱) عرصه عمومی را چنین می داند: "تمام بخش های بافت شهری که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند. بدین ترتیب، خیابان ها، پارک ها و میدانی شهرک یا شهر، به ساختمان هایی که محصورشان می کنند و محدوده شان را مشخص می کنند، گسترش می یابد". از منظر ایشان، عرصه های عمومی "مهم ترین بخش از ساختار شهرک ها و شهرهای ما هستند جایی که بیشترین میزان از تماس و تعامل انسان ها، در آن روی می دهد". مروری بر نوشته های مربوط به حقوق شهری (ورنرز- مودن، ۱۹۹۲)، نشان می دهد که در واژگان حقوقی، اگر فضایی، فضای عمومی به حساب آید- علیرغم محدودیت های

در "فرهنگ انگلیسی آکسفورد" (۱۹۹۳)، واژه Public به معنای "کلی، و در اکثر معانی متضاد خصوصی بکار رفته است". "متعلق یا متوجه مردم به مثابه یک کلیت" و در کنارش "در دسترس یا اشتراکی برای همه مردم"؛ "با آزادی موجود یا انجام شدنی"؛ و "ارایه شده یا مرتبط با دولت یا دولت محلی و مرکزی". (کر و سایرین ۱۱: ۱۹۹۲) فضای عمومی را "بستر مشترکی که مردم فعالیت های کارکردی و مراسمی را که پیوند دهنده اعضای جامعه است، در آن انجام می دهند"، می دانند چه این فعالیت ها روزمره و معمولی و چه جشنواره ای و دوره ای" باشند به عبارت دیگر فضای عمومی "صحنه ای است که به روی آن نمایش زندگی اجتماعی، در معرض دید عموم، قرار می گیرد. فضایی است برای سیاست، مذهب، دادوستد و ورزش؛ فضایی برای همزیستی مسالمت آمیز و برخوردهای غیر شخصی".

۳- ماهیت و کارکردهای فضاهای عمومی شهری:

یک فضای شهری می تواند متناسب با نیازهای زمانی و مکانی افراد جامعه، خصلت مطلوب یا نامطلوب پیدا کند. (Golany, 1996) بسته به میزان همخوانی و همنوایی کارکردی با اهداف مورد انتظار، مقیاس و حجم روابط، تطابق و تناسب با نیازهای روزمره گروه های اجتماعی و همخوانی با کلیت ساختار شهر، فضای شهری می تواند از وجوه برجسته تری از نظام مطلوب بهره گیرد. فضای شهری در عین دارا بودن ارزش های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت های شهری و ضرورت های مترتب بر آن نیز محسوب می گردد. این فعالیت ها در حالت کلی سه طیف متفاوت را شامل می شود. (Gehl, 1987) دسته اول فعالیت های ضروری و با اهمیت که تحت هر شرایطی اتفاق می افتند و ارتباط خاصی با ویژگی های منحصر به فرد اجتماعی ندارند. فعالیت هایی نظیر رفتن به محل کار یا مدرسه، انجام خرید، انتظار در ایستگاه اتوبوس و سایر فعالیت های عمومی و روزمره در این دسته جای می گیرند. این طیف از فعالیت ها درجات متفاوت از مشارکت اجتماعی را می طلبد. دسته دوم از فعالیت هایی که در فضای شهری انجام می شوند را، فعالیت های گزینشی و انتخابی تشکیل می دهند که در شرایط مناسب و وضعیت دلخواه افراد ضرورت پیدا می کنند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در مکان های تفریحی، نشستن و استراحت در مکان های جذاب و دیدنی جزء فعالیت های انتخابی و موردی به شمار می آیند. دسته سوم از فعالیت هایی که در فضای شهری رخ می دهند فعالیت های اجتماعی هستند که بسته به ویژگی های فضای شهری طیف گسترده ای از روابط متقابل افراد را در بر می گیرد. این فعالیت ها به دلیل تأثیرپذیری از سایر فعالیت ها و فضای اجتماعی، فعالیت های نهایی نیز خوانده می شوند. شرایط خاص فضاها جهت ایستادن، نشستن، خوردن، بازی کردن و ...، این فعالیت ها را تحت تأثیر خود قرار می دهند. در فضاهای شهری که فاقد جنبه های لازم جهت تقویت روابط اجتماعی هستند، تنها مقدار کمی از این فعالیت ها امکان بروز پیدا می کند که بسته به شرایط افراد نیز متفاوت خواهد بود. در مقابل در فضاهایی که از این ابعاد غنی هستند، سطح و مقدار بالایی از فعالیت های اجتماعی شکل می گیرد. نمایه شماره ۱ اندازه فعالیت های سه گانه را در فضاهایی که فاقد و دارای شرایط هستند، نشان می دهد. فضاهای شهری، نقش عمده و مهمی از دو بعد کالبدی و کارکردی/ عملکردی در الگوهای برنامه ریزی و توسعه شهری دارند.

ذاتی که برای دسترسی عمومی وجود دارد - مالکیت و حق دسترسی را نمی توان مانعی برای کاربری عمومی آن دانست. حتی مکانی عمدتاً خصوصی، می تواند در اکثر اوقات در دسترس عموم باشد و اگر هم منع شده باشد، می توان آن را از مجرای قانونی طلب کرد. مکان های عمومی نمی توانند قانوناً تعامل با دیگر استفاده کنندگان را ممنوع کنند، بلکه فقط می توانند ماهیت آن را تعیین کنند. (Madanipour, 1992) تعاریف فضای عمومی بر دسترسی بدون محدودیت به فضا یا فعالیت های متنوع موجود در آن تأکید می کنند، که قابل ذکرترین شان، تعامل اجتماعی است که در نتیجه وجود دسترسی محدود نشده، در آن روی می دهد (تصاویر شماره ۱). بدین ترتیب، بطور خلاصه می توان فضای عمومی را چنین تعریف کرد: " فضای عمومی شامل قسمت هایی از محیط طبیعی و مصنوعی است که عموم مردم به راحتی به آنها دسترسی دارند و شامل: خیابان ها، میادین و سایر مسیرهایی که دیگران حق عبور از آنها را دارند - در مناطق مسکونی، تجاری و محله ها - فضاهای باز و پارک ها و فضاهای خصوصی / عمومی که دسترسی عموم مردم حداقل در ساعاتی از روز در آن آزاد می باشد، می شود" (رفعیان، ۱۳۸۱، ۲). فضای عمومی شهری در این بیان در شهرها، واسطه ای برای برقراری ارتباط با افراد جدید و کسانی که نمی شناسیم و تاریخ؛ تضادها و نزاع هایی که از اینها بر می خیزد، تلقی می شود و در حقیقت فضای عمومی تعدیل کننده و هماهنگ کننده (moderator) نظام ارتباطی شهری به هنگامی است که بازیکنان جدیدی وارد صحنه آن می شوند. وظایف فضای عمومی را اینگونه دسته بندی کرد:

۱. ابزارهای جهت ارتباطات.

۲. مکانی برای رویارویی.

۳. مدیریت و هماهنگ کننده شهروندان آزاد (Wolfgang Christ, 2000).



تصاویر ۱ - نمونه هایی از فضاهای عمومی شهری



هستند همزیستی می کنیم (Walzer, 1986). علاوه بر این که استفاده از فضاهای عمومی ارزش های متعالی اجتماعی نظیر فستیوال های مردمی، اجتماعات، وقایع فرهنگی، تظاهرات سیاسی

و مکانی (جهت تمرین حقوق دموکراتیک مانند آزادی انجمن) را نیز نشان می دهند (Arefi M; Meyers W; 2003).

ع- اهمیت و نقش فضاهای عمومی در برنامه ریزی شهری:

همانطور که بسیاری از محققین شهری بیان کرده اند، فضاهای عمومی نظیر پارک های همسایگی و یا باغ های محله ای، از عناصر مهم یک شهر هستند که نقاط جذاب و بی نظیر آنرا تعریف می کنند. عده ای معتقدند که در سکونتگاه های شهری قبل از مدرنیسم، فضاهای عمومی مانند میدانی شهری و بازارها، به عنوان عرصه ای جهت ارتباطات اجتماعی بوده اند و در حقیقت مکان هایی متشکل از فعل و انفعالات اجتماعی تعداد زیادی از مردمانی که این تعاملات را امکان پذیر می ساختند، قلمداد می شده اند (Madanipour, 1992). علاوه بر این فضاهای باز در ایجاد حس اعتماد و اطمینان به مردم کمک کرده و باعث افزایش حس همبستگی و تعلق در مردم می شوند در حقیقت این فضاها، فراتر از مکان هایی صرفاً برای تفریح هستند. همانطور که Goodman بیان می کند این مکان ها عناصر حیاتی در محیط ما هستند که در عین حالی که دارای عملکردهای مثبت و ضروری بوده، فرصت هایی نیز جهت تفریح مردمان فراهم ساخته، از منابع طبیعی حفاظت کرده و بر طیف وسیعی از تصمیمات توسعه اقتصادی اثر می گذارند (Goodman, 1968). Rogers معتقد است که امروزه شهرهای بزرگ اغلب توسط فضاهای عمومی وسیع شان شناخته می شوند و کیفیت عملکردی این فضاها یکی از ابزارهای سنجش قدرتمندی شهرها و توانایی آنها در ایجاد تفریح و سرگرمی، زیبایی های طبیعی و فضاهای باز برای شهروندان نشان می باشد. فضاهای عمومی، در مقولاتی نظیر ایجاد و تقویت غرور شهری، افزایش گردشگران و سرمایه گذاری اقتصادی و کمک در ایجاد سلامتی و بهبود کیفیت زندگی، نیز به شهرها سود رسانده اند (Rogers, 2003) و نقش عمده ای در الگوهای

نمایه شماره ۱ - اندازه فعالیت ها در فضاهای مساعد و نامساعد شهری

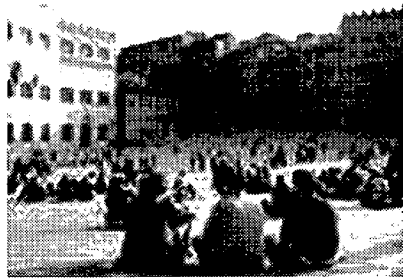
شرایط نامساعد	شرایط مساعد	
0	0	فعالیت های ضروری
0	0	فعالیت های انتخابی
0	0	فعالیت های اجتماعی

مأخذ: Gehl, 1987

بسیاری از نظریه پردازان شهرسازی معتقدند که فضاهای عمومی شهری بعنوان یکی از اجزای اصلی، نقش با اهمیتی در شهر سالم دارند. این عقیده فراتر از نقش کارکردی فضاهای عمومی است که معطوف به زمانی است که این فضاها، سرمایه اجتماعی را در زمانی که تعاملات اجتماعی زیادی در این مکان ها به وقوع می پیوندد، افزایش می دهند (Pasaogullari, N et.al, 2004). در مفاهیم نظری مرتبط دامنه وسیعی از کارکردهای فضاهای عمومی نظیر نقش توسعه یکپارچگی اجتماعی در قالب فرصت سازی برای رویارویی افراد جامعه، تقویت کارکردهای سیاسی جامعه بواسطه ایجاد و تقویت انجمن های آزاد در یک دموکراسی اجتماعی، عرصه ای جهت بروز نمایشات و جشن های فرهنگی (Mitchell, 1996)، واسطه ای که هویت های خصوصی و گروهی در آن توسعه می یابند (Mitchell, 1996) و عرصه ای جهت دسترسی عمومی و تمایزی از فضاهای خصوصی، مورد مباحثه و جدل قرار گرفته است (Berman, 1986. Mitchell, 1996). مطالعات تحقیقی تأکید می کنند که فضای عمومی انعکاسی از ارزش های فرهنگی بوده و تمرینی جهت تجمع و گردهمایی گروه های نژادی و قشرهای مختلف اجتماعی در عرصه شهری می باشند.

اهمیت فضاهای عمومی در مطالعات سیاست های شهروندی نیز تأکید شده است، تا جایی که آنرا در جهت عملی شدن سیاست های شهری لازم و ضروری می دانند. "Lefebvre معتقد است که هر جامعه ای در تاریخ خود فضای اجتماعی مشخصی را ایجاد کرده که در این فضاها به کلیه نیازهای متنوع جامعه - از تولیدات اقتصادی تا محصولات اجتماعی - پاسخ داده می شده است" (Hayden, 1995, p:19). این توجه آشکار می سازد که چگونه فضای عمومی از طریق فرایندهای اجتماعی تولید می شود و چگونه به رفتار سیاسی و جمعی و اجتماعی ما شکل می دهند. ما فضا را با دیگران تقسیم می کنیم و از این طریق با افرادی که دارای نژاد، مذهب، عقیده و سیاست و فرهنگ های متنوعی

فضاهای عمومی (Tibbalds, 1992. Sorkin, 1992. Vernez)
 (Moudon, 1992. Glazer and Lilla, 1987. Worpole, 1992.
 به عنوان مکان‌هایی که تعاملات اجتماعی و تجارب زندگی شهری
 در آنها رخ می‌دهد (Madanipour, 1992) بصورت مکرر تأکید
 شده است. برای مثال پارک‌های عمومی، بعنوان ترکیب اصلی
 محلات پرتراکم، فضاهای قابل زندگی و لذت بخش در این
 محلات هستند که درعین ارائه تسهیلات شهری به عنوان
 مکان‌هایی جهت انجام ملاقات‌های محله‌ای، مراکز فعالیت‌های
 تفریحی، نگهداری کودکان و نقاط گذران اوقات عمومی (نظیر
 صرف نهار) نیز عمل می‌کنند (Calthorpe, 1993).



دسترسی به فضاهای عمومی می‌تواند به عنوان یکی از
 متغیرهای اصلی در قالب بعد فیزیکی قلمروی عمومی، نیز مورد
 بررسی قرار گیرد؛ اهمیت این مقوله از آن جهت است که این
 عامل بایستی هم تسهیل‌کننده استفاده از فضا و هم بواسطه
 اهمیتش در تنظیم کارکردی محیط اجتماعی (نظیر امنیت و
 ایمنی) تحدید کننده فضا باشد. مطالعات انجام شده نشان
 می‌دهد که دسترسی به فضاهای عمومی بدون لحاظ کردن
 جنبه‌های اجتماعی آن، به تنهایی می‌تواند به عنوان یکی از
 شاخص‌های مؤثر و بازدارنده افزایش میزان مطلوبیت و تقویت
 تعاملات اجتماعی در یک فضای عمومی باشد (Worpole, K, 1992).
 هرچند که امروزه توجه به این فضاها در برنامه ریزی شهری،
 در سازوکارهای نگرش اقتصادی به فضا مورد کم توجهی
 قرار گرفته است لیکن شواهد نشان می‌دهند که دسترسی و
 مطلوبیت فضاهای عمومی شهرها، از جمله مسایلی هستند که
 بر کاهش اثرات منفی ناشی از رشد سریع شهری اثر می‌گذارند.
 به نظر می‌رسد در مقایسه با رشد اقتصادی و جمعیتی شهرها،
 فضاهای عمومی شهری می‌باید راه به مراتب طولانی‌تری را
 بپیمایند تا به استانداردهای معاصر در شهرها جهت ایجاد یک
 زندگی سالم برسند (Pasaogullari, N; Doratti, N 2004). نمونه‌ای
 از این مطالعات را می‌توان در قالب تحقیق صورت گرفته در
 خصوص کیفیت فضاهای عمومی شهری دنیا مشاهده کرد که
 در آن براساس سنجش نظر ۱۵۰ پاسخ‌دهنده و تحلیل نتایج
 حاصله، مشخص گردید که استفاده‌کنندگان فضاهای عمومی

برنامه‌ریزی شهری و اجتماعی کردن محلات دارند. Calthorpe.
 در همین چارچوب در اعتراض به کاهش نقش این فضاها در
 فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری معاصر، خاطر نشان
 می‌سازد که کیفیت فضای عمومی در شهرها به طرز
 محسوسی کاهش یافته است. پارک‌ها، مدارس، کتابخانه‌ها،
 ادارات پست، تالارهای شهر و مراکز شهری متفرق و پراکنده
 شده‌اند و فاقد مطلوبیت و ارزش عملکردی لازم هستند و
 می‌افزاید: "کیفیت دنیای ما را این فضاها تعیین کرده و ارزشی
 که ما برای جامعه خود قائلیم را نشان می‌دهند"
 (Calthorpe, 1993).

در شهرهای با توسعه شتابان، علیرغم شباهت در
 خیابان‌های عمومی شهری و ساختارهای مصنوعی ویژه آنها،
 فضاهای عمومی با تغییر بنیادی در ساختار فیزیکی خود
 مواجه‌اند بطوری که معنا و اهمیت این فضاها در اقتضائات
 رشد سریع آنها گم شده و کمیت و کیفیت فضاهای عمومی رو
 به زوال گذارده است. می‌توان بر این واقعیت تأکید کرد
 که رشد سریع شهرها، بخصوص در کشورهای در حال
 توسعه، منجر به زوال عملکردی فضاهای عمومی در نیمه دوم
 قرن بیستم و به خصوص از اواخر دهه ۱۹۸۰، شده است.
 معترضین به این افول کارکردی فضاهای عمومی اعتقاد دارند
 که تمامی جنبه‌های برنامه‌ریزی و توسعه شهری بایستی در
 زمینه تقویت تصور و ادراک و استفاده مؤثر از فضاهای
 عمومی، برانگیخته شود. (Goodman, 1968) از آنجا که این
 فضاها مکان‌های کانونی فعالیت‌های عمومی و خصوصی تلقی
 می‌شوند، بایستی توجه نمود که نه تنها از نظر کارکردی باید
 مناسب باشند، بلکه لازم است که دارای ویژگی اختصاصی و
 متمایزی نیز نسبت به سایر فضاهای شهری باشند. در مقیاس
 واحدهای همسایگی، فضاهای عمومی شهری بایستی
 فضاهای مسکونی و نواحی محافظ (buffer zones) را که برای
 جداسازی فعالیت‌ها ایجاد می‌شوند اشغال و تصرف نمایند،
 بلکه می‌باید به عنوان عنصر اصلی و مکمل مورد استفاده
 قرار گیرند. برای مثال ضروری است پارک‌های همسایگی با در
 نظرگرفتن دو جنبه مهم استفاده‌های مؤثر (فعال) و غیرمؤثر
 اجتماعی طراحی شوند. این پارک‌ها می‌باید مؤلفه‌های محیطی
 را با لحاظ کردن زمینه‌های پیش‌بینی نشده اجتماعی، تقویت و
 منعکس کنند. فرم آنها بایستی جذاب و مرتبط (پیوسته) با
 فضای پیرامون باشد تا اینکه مکانی صرف برای سکونت و
 سکون (Calthorpe, 1993) را در ذهن افراد القا کنند. از طرف
 دیگر، با توجه به نقش عمده‌ای که فضاهای عمومی در
 توسعه پایدار شهرها ایفا می‌کنند، در ادبیات نوین طراحی و
 برنامه‌ریزی شهری بر اهمیت احیاء و بازشناسی

مشخص در جهت بهبود کیفیت فضاهای عمومی شوند. با توجه به نکات گفته شده و ترکیب طیفی از فعالیت‌های تاکید شده در برنامه ریزی و طراحی شهری، می‌توان گفت که مجموعه‌ای از عوامل زیر در ارزیابی کیفیت فضای عمومی از نظر استفاده‌کنندگان مؤثرند:

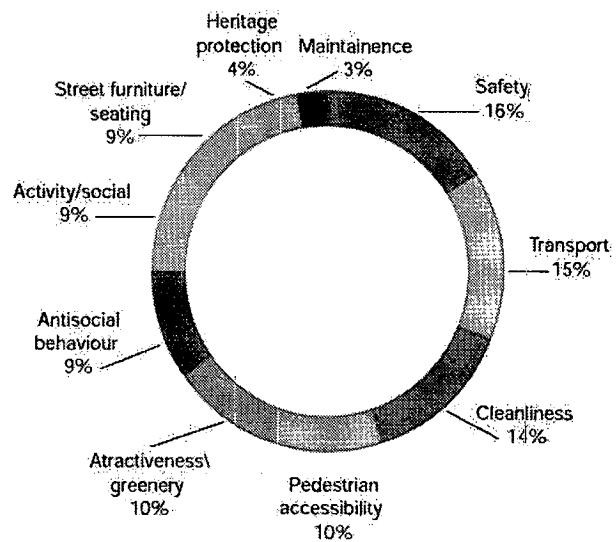
۱. **نظافت و پاکیزگی:** آیا این مکان‌ها تمیز هستند و به تمیزی آنها رسیدگی می‌شود؟
۲. **دسترسی:** این فضاها تا چه اندازه در دسترسند و قابلیت تحرک در آنها وجود دارد؟
۳. **جذابیت:** تا چه اندازه چشم‌نوازند؟
۴. **راحتی:** آیا افراد در گذران اوقات فراغت در این مکان‌ها راحتند؟
۵. **جامعیت:** تا چه اقشار مختلف جامعه را در برمی‌گیرد؟
۶. **سرزندگی و پویایی:** تا چه حد از فضا استفاده شده و امکان انجام فعالیت‌های شاد و زندگی بخش وجود دارد؟
۷. **عملکرد:** تا چه حد قابلیت به مرحله اجرا درآمدن فعالیت‌های مختلف موجود در فضا وجود دارد؟
۸. **تمایز:** آیا این فضا یک مشخصه واضح و ممتاز دارد؟
۹. **ایمنی و امنیت:** آیا این فضاها احساس امنیت را القا می‌کنند و فضاهای امنی هستند؟
۱۰. **نیرومندی و سلامتی:** تا چه حد در طول زمان، جهت بهبود و سلامتی فضاها اقدام می‌شود؟

تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی نه تنها در معماری نمود می‌یابد بلکه در دسترسی به فضای عمومی و ادراک این فضاها هم اثر می‌گذارد. به‌عنوان نمونه در تحقیق لینچ (۱۹۶۰)، تفاوت‌هایی در استفاده و دسترسی به فضای عمومی و ادراک تصویری گروه‌های مختلف نژادی و جنسیتی در چهارشهر آمریکایی انجام شد. لینچ دریافت که گروه‌های اجتماعی متفاوت، شهر را به یک صورت و همانند، درک نمی‌کنند. نژادهای مختلف، گروه‌های اجتماعی و جنسیتی در لس‌آنجلس، از فضای عمومی درک یکسان نداشته، فرضاً اندازه و اجزای متنوعی از فضاهای عمومی را به یاد می‌آوردند. با استفاده از ادراک تصویری، این مطالعه آشکار کرد که تحرک (جابجایی) شهروندان، بر درک آنها از شهر اثر می‌گذارد. حرکت بیشتر، تصویر ذهنی پیچیده و متنوعی از شهر را برای آنها فراهم کرده در حالی که حرکت کمتر، درک آنها از شهر را محدود می‌کند (Arefi M; Meyers W; 2003). نکته با اهمیت پس از توجه به اهمیت کارکردی فضاهای عمومی شهری، توجه به استفاده‌کنندگان از فضای عمومی، فارغ از هرگونه تمایز جنسیتی است.

شهری مواردی نظیر امنیت، دسترسی و پاکیزگی فضاهای عمومی را مهمترین عامل کیفیت فضا قلمداد کرده و در مقابل برای مواردی نظیر حفاظت و نگهداری فیزیکی فضاهای عمومی ارزش کمتری قائل شده‌اند (نماینه شماره ۲). در همین زمینه با توجه به مطالعه‌ای که بر روی بیش از ۱۰۰۰ فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است نشان می‌دهد که ۴ عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند (www.pps.org). این عوامل عبارتند از:

- دسترسی و بهم پیوستگی Access & Linkage
- آسایش و منظر Comfort & Image
- استفاده‌ها و فعالیت‌ها Uses & Activities
- اجتماعی پذیری Sociability

نماینه شماره ۲- عوامل مهم در کیفیت فضای عمومی شهری



ماخذ: <http://www.odpm.gov.uk>

البته بدیهی است که قضاوت در مورد اهمیت کیفیت فضاهای عمومی دقیقاً به ادراک شخصی افراد برمی‌گردد و افراد مختلف بی‌تردید متأثر از بسیاری از جنبه‌های محیطی و فرهنگی خود، عوامل متفاوتی را بیش از حد بالا و یا پایین ارزیابی می‌کنند لیکن بایستی به یاد داشت که قضاوتی که افراد استفاده‌کننده محلی از فضای عمومی انجام می‌دهند، بدلیل پیوستگی و کنش مستمر این افراد با فضای عمومی، به مراتب ارزشمندتر از قضاوت‌های افرادی باشد که از این فضاها استفاده مستمر نمی‌کنند. مهم است که درک کنیم که تمامی این عوامل کیفی در تشکیل یک تجربه کلی از فضای عمومی با هم بکار می‌روند و ممکن است مانع از ارائه یک راه حل و کوشش

هر دو زمینه ذکر شده باشند، آنگاه می توان ادعا کرد که این فضاها توانسته اند نقش عمده ای در افزایش و بهبود روابط اجتماعی و کاهش محرومیت های ناشی از طبقه اجتماعی، نژادی، سنی و جنسی داشته باشند (Garcia-Ramon et.al, 2004).

به عبارت دقیق تر کیفیت و مطلوبیت این فضاها در چارچوب سنجش تعداد زنان و مردان استفاده کننده از یکسو و تنوع ویژگی های افرادی که از این فضاها استفاده می کنند شناخته می شود. اگر فضاهای عمومی دارای نتایج رضایت بخشی در

۵- نتیجه گیری:

در قلمرو نگاه سیاسی به فضاهای عمومی، بدلیل ممانعت رژیم های قدرت مدار از ابراز عقیده جناح های مخالف به روش های مدنی، گروه های مخالف مجبور به استفاده از روش های دیگر می شوند که عموماً در قالب برپایی اجتماعات سیاسی در اماکن عمومی شهری و راهپیمایی در خیابان های شهر صورت می گیرد. بنابراین کنترل خیابان های شهر به معنای داشتن قدرت است و جنبش هایی که بر میدان ها و خیابان های شلوغ تسلط داشته باشند، تهدیدی جدی برای تفکر قدرت مدار تلقی خواهند شد (گیلبرت، ۱۳۷۶، ۳۵۱ و پارس، ۱۳۷۹). در کنار این رویکرد، نگاه تعامل گرایانه و اجتماعی در کنار رویکرد کالبدی به فضای عمومی شهری، مفاهیمی نظیر "سرمایه اجتماعی، کنش اجتماعی و یکپارچگی جامعه" را هدف می گیرد و ضعف آن در شهرها را عاملی در بی ثباتی و ناپایداری اجتماعی شهرها تصور می کند. بنابراین به نظر می رسد توجه روزافزون به فضاهای عمومی شهری واقعیت انکار ناپذیر شهرهای ما در سده جدید باشد که می تواند در قالب بازنگری در رویکردهای مدیریت توسعه شهری مورد ملاحظه قرار گیرد.

فضای شهری در طول تاریخ بشر همواره عرصه اجرای کارکردهای اجتماعی و پویای نهادین جامعه بوده و بسیاری از فعالیت های وابسته به نهادهای عرصه خصوصی مانند خانواده نیز به عرصه عمومی و فضای شهری سپرده شده است. بنابراین نه تنها همراه با سیر تحول جامعه نهادهای عرصه عمومی و شهری بطور روزافزونی پیچیده شده و گسترش می یابد، بلکه فضاهای عمومی و شهری نیز بواسطه همین رابطه توسعه یافته اند و ما امروز با تنوعی از فضاهای عمومی و اجتماعی مواجهیم که در تملک عمومی اند و کارکردهای اجتماعی در آنها جاری می گردد. از سوی دیگر فضای شهری به عنوان بستر مکانی کارکردهای اجتماعی در تسهیل این کارکردها و پویای های وابسته به آن که در اشکال نهادها، سازمان ها و ... پدید می آیند نقشی برجسته داشته و موجب تسهیل روابط و پالایش ساخت اجتماعی می گردد. از آنجا که فضای شهری با دخالت در تسهیل و پالایش ساخت اجتماعی عموماً با راهبردهای اجتماعی درگیر می شود و گاه موجب تقویت، تحکیم و یا تضعیف آنها می گردد، بنابراین به دلیل عمومیت، قطعیت و تکرار شونده گی اثرات آن دارای نقش اجتماعی است. فضای عمومی شهری در اکثر کشورهای جهان سوم عرصه نمایشات سیاسی نیز به شمار می رود.

فهرست منابع:

- پارس، حمیدرضا (۱۳۷۹)، "فضای شهری، حیات مدنی و نیروی اجتماعی فرهنگی، نمونه موردی: خیابان کارگر"، رساله برای دریافت درجه دکترا در رشته شهرسازی، دانشگاه تهران.
- رفعیان، مجتبی (۱۳۸۱)، "بازتولید فضاهای شهری"، همایش توسعه و توسعه یافتگی شهر تهران.
- گیلبرت، گ (۱۳۷۶)، "شهرها، فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم"، ترجمه: پرویز کریمی ناصری.

- Arefi M; Meyers W (2003), "What is public about public space: The case of Visakhapatnam, India", *Cities*, Vol. 20, No. 5, p. 331-339.
- Berman, M (1986), "Take it to the streets: Conflict and community in public space", *Dissent* 479-485.
- Calthorpe, P (1993), "The next American Metropolis", Princeton Architectural Press, New York.
- Francis, M (1989), "Control As a Dimension of Public Space Quality", In *Public Places and Spaces*. (eds.) I Altman, EH Zube, pp. 147-172. Plenum Press, New York.
- Garcia-Ramon, Maria D; Ortiz, A; Parts, M. (2004), "Urban Planning, Gender and The use of Public Space in a Peripheral Neighbourhood of Barcelona", *Cities*, Vol.21, No. 3, p.215-223.
- Gehl, Jan, (1987), "Life between Buildings", van Nostrand Reinhold.
- Glazer, N and Lilla, M (1987), "The Public Face of Architecture", Free Pres, New York.
- Golany G., (1996), "Geo-Space urban design"; John Wiley and son, New York.
- Goodmann, W (1968), "Principles and Practice of urban Planning", International City Managers Association, Washington.
- Hayden, D (1995), "The Power of Place: Urban Landscapes as Public History", MIT Press, Cambridge, Mass.
- Langdon, P (1994), "A Better Place to live: Reshaping the American Suburb", University of Massachusetts Press, Amherst.
- Lefebvre, H (1991), "The Production of Space", Blackwell, Oxford.
- Madanipour, A (1992), "Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio-Spatial Process", Wiley, West Sussex.
- Mitchell, D (1996), "Introduction: Public space and the city", *Urban Geography* 17(2), 127-131.
- Pasaogullari, N; Doratli, N (2004), "Measuring accessibility and utilization of public spaces in Famagusta", *Cities*, Vol. 21, No. 3, p. 225-232.
- Rogers, W (2003), "The excellent city park system", In *What Makes it Great and how to Get There*, (ed) P Harnik. The Trust for Public Land; Pub, Washington, DC.
- Sorkin, M (1992), "Variations on a Theme Park: The New American City and the End of Public Space", Hill and Wang, New York.
- Talen, E (2000), "Measuring the public realm: a preliminary assessment of the community", *Journal of Architectural and Planning Research* 17(4), 344-359.
- Tibbalds, F (1992), "Making People Friendly Tomns: Improving the Public Environments in Towms and Cities", Longman Press, Harlow, Essex.
- Trancik, R (1986), "Finding Lost Spaces", Van Nostrand Reinhold, New York.
- Vernez Moudon, A (1992), "A Catholic approach to organizing what urban designers should know", *Journal of Planning Literature* 6(4), 331-349.
- Walzer, M (1986), "Pleasures and Costs of Urbanity", *Dissent* 33(4)470-475.
- Worpole, K (1992), "Towns for People: Transforming Urban Life", Buckingham University Press.